

سپار

نشریه ی مستقل دانشجویی

سال اول، شماره ی اول

شماره مجوز: ۹۴۳۴۷۲

مدیرمسئول و سردبیر: حمید باقری

دبیر تحریریه: ابوالفضل عباسی

نویسندگان: حمید باقری، ابوالفضل

عباسی، حسین حقی، محمد سعید

ابراهیمی، سید احمد علوی، محمد

حسین زاده، مرتضی محمدپور

یادداشت

کینه آمریکایی از شهید هسته ای

سید / احمد علوی



نادر مهدوی که به دست سربازان آمریکایی افتاد گویی یک مشت گرگ گرسنه به طعمه شان رسیده بودند. سینه اش را با میخ های بلند سوراخ کردند. تیر به بازو، پیشانی و قلب این سرباز دلیر اسلام زدند اما کینه ای که بر دلشان نشسته بود آرام نشد پس پیکرش را بر پاره ای چوب بستند و به دریا افکندند بل جان ناپاکشان از ضربه ای که این بزرگوار به حیثیتشان زده بود آرام گیرد.

به ما می گویند افراطی چرا که نمی توانیم خاطرات گذشته مان را فراموش کنیم. نمی توانیم با دنیا دست بدهیم، قدم بزنییم و درباره مشکلاتمان گفت و گو کنیم. نمی توانیم خون های ریخته شده بر جای این خاک را نادیده بگیریم و آن قدر خون دیده ایم که جز انتقام به هیچ چیز اندیشه نمی کنیم. از تاریخ تنها عاشورا خوانده ایم، از جغرافیا کربلا و از سیاست جمل و نهروان و ... بگذریم شما از همان جشن های باستانیتان بخوانید و ایرانی هایی که همیشه شاد بودند و دستشان به جام می بود و زلف یار ما هم تفسیر خودمان را از اشعار مولوی و حافظ می کنیم باشد تا محک تجربه بیازماید که چقدر جام می بی وقت خشایار شاه از دست دشمنانمان عید نسل کشی برادرانتان می شود و چه قدر خنده آور که هر ساله شما این روز را با دشمنانتان گرمی می دارید.

از همان ابتدا چون روز روشن بود که پر کردن راکتور اراک با سیمان تنها و تنها برای خفت دادن به ملتی است که دعوی سربلندی دارد و گرنه عدم استفاده از راکتور قدیمی که به این بازی ها نیاز نداشت اما همزمانی روز اجرای این حکم با شهادت احمدی روشن دوباره خاطرات شهید مهدوی و کینه تیزی آمریکایی ها را برایمان زنده کرد. کاش فرزندان این ملت با خودشان کمی اندیشه می کردند که این آمریکا همان آمریکاییست که حتی بعد از شهید کردن نادر مهدوی کینه اش فرو نمی نشیند و امروز پس از شهید کردن شهید احمدی روشن هنوز کینه اش از آن شهید بزرگوار اندکی فروکش نکرده و به هر طریقی می خواهد به این شهید والامقام و راهی که توسط وی و دوستانش آغاز گردیده است دهن کجی کند. خوشا به حال احمدی روشن که چنین دشمنی را از خویش غضبناک کرده است و بدا به حال ما که در این وادی خواب گرفته نشسته ایم به تماشای آزادی افسران آمریکایی پیش از آنکه به خاطر ورود غیر قانونی شان به حریم مقدس کشورمان عذرخواهی کنند و بدتر از همه نشسته ایم به تماشای نابودی غیرتمان در ازای هیچ چیز که عایدمان نشد و از همان ابتدا هم همه می دانستیم این دست، پنجه گرگ است که به دوستی فشرده ایم.

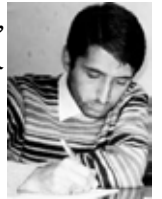
سرفصل های پیشنهادی برای درس «تاریخ برجام» در مدارس!



خاندان گرایی به سبک

دیپلماسی از نوع





محمد حسین زاده

تعمیل دولت در نوشتن تاریخ /

سر فصل‌های پیشنهادی برای درس «تاریخ برجام» در مدارس!

ساترفیوژ داشتیم و چند مرکز غنی‌سازی و چه مقدار مواد غنی‌شده. وقتی همه‌ی داشته‌ها را لیست کردیم، باید برای ثبت در کتاب تاریخ مدارسمان بگوییم چه دادیم و چه گرفتیم! در تاریخ فقط باید بگوییم چه داده‌ایم و چه گرفته‌ایم و قضاوت را بگذاریم بر عهده‌ی خواننده‌ی تاریخ. آیا دولت در کتاب تاریخ برجام مدارس این چنین می‌کند؟ تمام و کمال می‌گوید چه داده‌ایم؟ تاریخ نویسان دولتی می‌گویند برای به دست آوردن آنچه آنان سر میز با غربی‌ها معامله کردند چند شهید دانشمند هسته‌ای داده‌ایم؟

در کتاب تاریخ اعتدال‌گرایان به سابقه‌ی بدعهدی غربی‌ها در تاریخ معاصر کشور اشاره‌شده است؟ گفته‌اند مصدقی که از او با نیکی نام می‌برند (همان که امام او را مسلم نمی‌دانست) به آمریکایی‌هایی اعتماد کرد که عاقبت علیه دولتش کودتا کردند؟ از سابقه‌ی اشغال ایران توسط غربی‌ها گفته‌اند؟ از تهدیدها و تحریم‌های که ایران را کرده بودند گفته‌شده است؟ زمانی که در کتاب درس تاریخ از وزارت خارجه دولت تعریف و تمجید می‌شود که توانستند برجام را به سر منزل مقصود اعتدال‌گرایان برسانند، این هم گفته می‌شود که عملکرد دولت در ماجرای کشته شدن حاجیان ایرانی در منا چه بود؟ پس از چند روز از



نیویورک به کشور برگشتند. عملکرد سیاست خارجه دولت در قبال جبهه‌ی مقاومت چگونه بوده است؟ عزتی که قول داده بودند به پاسپورت ایرانی برگردد؛ چگونه برگشت؟ خوب است که در کتاب تاریخ دولت نوشته، نقد منتقدان هم برای ثبت در تاریخ ذکر شود. دولت اگر معتقد است برجام فتح الفتوح است و نقد منتقدان غیرواقع است. در کتاب تاریخشان ذکر کنند تا آیندگان قضاوت کنند. نشود فردا اگر آیندگان متوجه شدند برجام ضعف‌ها و خسارت‌های جدی برای کشور داشته است با خود بگویند آیا کسی در کشور نبوده است که اعتراض کند و مخالفت کند؟

دولتمردان هم در دوران پیش از برجام دچار اشتباه در تعامل با مردم و منتقدانشان شدند و هم در دوران پسابرجام. در پیش از برجام می‌گفتند نقد نکنید تا دولت در پای میز مذاکرات تضعیف نشود، در پسابرجام می‌گویند نقد نکنید که دیگر کار تمام‌شده است. این تعجیل در تدریس برجام در مدارس بیشتر از اینکه اقدامی منطقی باشد، اقدامی احساسی است برای فرار از پاسخ، فرار از رویارویی با منتقدین. دولت به‌جای آنکه وقت بگذارد تا پاسخ منتقدان را بدهد و یا هوشیاری‌اش را مضاعف کند تا دشمن از ایرادات احتمالی محتوایی برجام برای ضربه به کشور استفاده نکند؛ توانش را گذاشته است که با هر ترفند و نمایشی این باور را برای مردم به وجود بیاورد که برجام فتح الفتوح دولت است و تدریس برجام در مدارس از این جنس است.

اساتید حوزه و دانشگاه هم این حق را دارند؟ آیا می‌توان کرسی آزاداندیشی گذاشت و از برجام گفت؟ حال که دولت تصمیم گرفته است که برجام را به سرفصل‌های درس تاریخ مدارس اضافه کند خوب است پاسخ بعضی پرسش‌های کلیدی را نسبت به این اقدام بدهد: آیا در متن درسی تدوین‌شده جهت تمجید از برجام، می‌گویند منتقدان حق اظهارنظر نداشتند؟ آیا گفته می‌شود هر کسی که نقد می‌شد برجسی از سمت دولت بر پیشانی‌اش خورده می‌شد. گفته می‌شود هر بار که غربی‌ها برجام را نقض کردند دیپلمات‌های ما گفتند

درس تاریخ قطعاً یکی از ضروری‌ترین مباحث درسی مدارس است؛ درسی که متأسفانه در تپوتاب سیاست‌های کنکوری حاکم بر وزارت آموزش و پرورش همیشه گم می‌شود. تاریخ پر است از عبرت‌ها و درس‌هایی که اگر درست شناخته شود، مسیر یک ملت را در آینده می‌تواند بیمه کند از پیمودن مسیرهای اشتباه گذشتگان.

اما تاریخ همیشه محل دعوای سیاستمداران و اهداف و رویکردهای آن‌ها بوده است. نمی‌توان کتمان کرد که بعضی حاکمان دوست دارند شکست‌ها و ضعف‌هایشان هیچ‌وقت در تاریخ ثبت نشود ولی در ازای آن، قوت‌ها و پیروزی‌هایشان تمام صفحات کتاب‌های تاریخی را پر کند. تحریف تاریخ دقیقاً از همین جا به وجود می‌آید. تعجیل دولت یازدهم بر وارد کردن برجام به درس تاریخ مدارس یکی از اتفاقات شگرف در تاریخ آموزش و پرورش و فضای سیاسی کشور است. در این که برجام نقطه‌ی عطفی است در تاریخ کشور شکی نیست؛ ولی این اتفاق هنوز در جریان بوده و نتایجش به‌صورت کامل آشکار نشده است. اتفاقی که هنوز زوایای پنهان بسیاری دارد چگونه قرار است به‌عنوان ضمیمه درس تاریخ در مدارس تدریس شود؟ برجام هم‌اکنون که در اولین ایستگاه خود قرار دارد

دولتی که حاضر نشد نقد منتقدان بر برجام را بشنود، حاضر است پیشنهادهایی مبتنی بر پربارتر شدن متن درسی بشنود؟ درس برجام باید چند پیش‌نیاز داشته باشد، اول باید اندیشه سیاسی حضرت امام روح‌الله تدریس شود در ارتباط با جهان کفر و شرک. در فصل بعد در فصل بعد باید داشته‌هایمان را در مذاکرات سال ۸۲ نوشت! در کتاب تاریخ اعتدال‌گرایان به سابقه‌ی بدعهدی غربی‌ها در تاریخ معاصر کشور اشاره‌شده است؟

برجام نقض نشده بلکه با روح برجام سازگار نیست! دولتی که حاضر نشد نقد منتقدان بر برجام را بشنود، حاضر است پیشنهادهایی مبتنی بر پربارتر شدن متن درسی بشنود؟ درس برجام باید چند پیش‌نیاز داشته باشد، اول باید اندیشه سیاسی حضرت امام روح‌الله تدریس شود در ارتباط با جهان کفر و شرک. باید نظر امام در رابطه با آمریکا تدریس شود. بعد نگاه و اندیشه‌ی رهبر انقلاب تدریس شود. در فصل بعد باید داشته‌هایمان را در مذاکرات سال ۸۲ نوشت و اینکه اگر مذاکرات آن زمان (با مدیریت آقای روحانی) به نتیجه می‌رسید در سال‌های ۹۳-۹۴ در زمینه هسته‌ای چه می‌داشتیم که با آن مذاکره کنیم؟ فصل بعد باید داشته‌هایمان در ۹۲ را تشریح کنیم؛ چند

منتقدانی جدی و سرسخت در کنار موافقانش دارد. چگونه است پرونده‌ای که هنوز باز است به درس تاریخ اضافه می‌شود آن هم به‌عنوان فتح الفتوح ولی خیلی از اتفاقات تاریخی گذشته‌ی قبل از آن را می‌خواهند فراموش بشود؟ چند ساعت از درس تاریخ را به مقطع پذیرش قطعنامه اختصاص داده‌ایم؟ آیا در کتاب تاریخ مدارسمان گفته‌ایم جام زهری که امام از آن نام برد را چه کسانی مهیا کردند؟ آیا ماجرای مرحوم منتظری و خونی که به دل حضرت امام کرده بود را گفته‌ایم؟ ماجرای خیانت اصلاح‌طلبان در تیرماه ۷۸ و غائله‌ی کوی دانشگاه را تدریس کرده‌ایم؟ گفته‌ایم چه کسانی فتنه‌ی ۸۸ را رهبری کردند؟ چه کسانی آتش آشوب در خیابان‌های تهران را روشن کردند؟ گفته‌ایم از خیانت‌ها و جنایت‌ها کودتاگران رنگی ۸۸؟ گفته‌ایم بسیاری از تحریم‌هایی که در برجام می‌خواستیم لغو شود نتیجه‌ی طمع دشمنان نظام بود که برای تکمیل کودتا و تسلیم نظام و مردم تصویب کرده بودند. این همه تعجیل برای تدریس برجام از کجا نشات می‌گیرد؟ دولت بهتر است به‌جای آنکه فکر تدریس در مدارس باشد، اجازه بدهد دانشگاهیان کمی در مورد آن تحقیق کنند. استقبال از منتقدین با چاشنی اهانت‌هایی مثل بی‌سوادان بی‌شناسنامه و... و تهدید منتقدین و مطبوعات به عدم نقد برجام ناشی از چیست؟ اگر برجام واقعا فتح الفتوح است دیگر چرا از نقد آن ترس دارند؟ قطعاً دانش‌آموزان باید با تاریخ کشورشان آشنا شوند؛ ولی این سؤال باقی می‌ماند که آیا دانشجویان، طلاب و

وعده های دولت روحانی

/حمید باقری/

به گونه ای حرف بزنید که اگر خرداد سال آینده نوار حرف‌های شما را پخش کردند شرمند نشوید و با بهانه گیری گردن این و آن نیندازید.

روزها و ماه‌ها زیادی است که از عمر دولت روحانی می‌گذرد. دولتی که با هدف بهبود اوضاع اقتصادی! به روی کار آمد. در این روزها که سختی‌های زیادی را مردم متحمل می‌شوند و با صبری ستودنی مشکلات ناشی از بی‌تدبیرگی‌ها تحمل و با غیرت انقلابی چون همیشه دم نمی‌آورند. باز خوانی شعارهایی که در ایام انتخابات از کاندیداهای انتخاباتی شنیده می‌شد (علل مخصوص جناب روحانی) بخشی از آن به عنوان ایجاد حس برانگیختگی از شرایط حال و «امید» واری کاذب و برزخ گونه و با آمیختگی از واقعیات و خیال را در اذهان به وجود می‌آورد. حال در دوره یازدهم ریاست جمهوری، جناب آقای روحانی با رأی اکثریت به عنوان هفتمین نفر بار مسئولیت سنگین ریاست جمهوری رابه دوش کشیدند.

درست در همان دوران انتخابات بود که وعده تحول در معضلات اقتصادی در مدت ۱۰۰ روز مطرح شد! اما پس بیش از ۸۰۰ روز مشکلات نه تنها حل نشدند بلکه ... از این بگذریم. در یکی دیگر از این وعده‌ها، ایشان گفتند که دولت آینده دولت ادب و اخلاق خواهد بود و این برای دولت تدبیر یک اصل است! و در همین راستا بود که گفتند بی‌شناسنامه‌ها و بی‌سوادها و ... از این هم بگذریم. در بخش دیگری از وعده‌ها ایشان می‌گویند که من عزت و غرور ملی ایرانیان را بازخواهم گرداند و در همین راستا بود که کدخدا ۴۰۰ روز اجازه ورود آقای ابوطالبی را نداد، ۲۸ فروردین ۹۳ حکم اخراج ۶۴ دانشجوی ایرانی از نروژ صادر شد، حادثه تلخ فرودگاه جده و یا دیپلوماسی زانو... که از این نیز بگذریم. هم چنین فرمودند در دولت تدبیر و امید در همه کارها با مردم مشورت می‌شود و برای همین بود که چون سریع القلم‌ها که گفتند به مردم چه مربوط که... از این هم بگذریم.

قالب این قبیل وعده‌ها تنها در دوران انتخابات بیان می‌شود و بعد از آن رسیدن به آنها برای مدعی بسیار سخت است که این نشان دهنده عدم شناخت درست از معضلات و مشکلات موجود در کشور و نداشتن برنامه‌ای درست برای بهبود وضعیت است؛ و یا از نگاهی دیگر می‌توان گفت که این شعارها تنها بر اساس ذائقه‌ی زمانی افراد برای جریان سازی در دوران انتخابات است، این گونه عملکردها و موج سواری‌ها که در دوران و ایام انتخابات به وجود می‌آید، منحصر به گروه و یا حزب خاصی نیست؛ بلکه در افراد وابسته به احزاب مختلف دیده شده است و همین موضوع باعث دلسرد شدن مردم از انتخاب فرد مورد نظرشان می‌شود. در این راستا چون همیشه! روزنامه‌های زنجیره‌ای تا زمانی که منتخبشان در رأس قدرت حضور دارد جز ستایش کاری نمی‌کنند و به گونه‌ای اوضاع را نمایش می‌دهند که گویا از کهنکشان دیگری حرف به میان می‌آورند؛ اما خدا نکند که دولتی دیگر در رأس امور باشد؛ جز سیاه‌نمایی چیز دیگری نقاشی نمی‌کنند. البته این هم در راستای اهدافشان است. جناب روحانی در اغلب اوقات به جای چاره‌اندیشی مشکلات به دنبال مقصر می‌گردند. اینگونه عملکرد راه حل مشکلات و معضلات نیست و گره زدن شاه کلید رفع مشکلات به مذاکره به مانند آب در هاون کوبیدن می‌ماند.

نسخه دگری باید برای درمان معضلات جامعه اندیشید. درد و دلی که چهار وزیر برای رییس جمهور می‌نویسند - آن هم در اوضاعی که ما از روکود خارج شده ایم! - نشان از وضعی دارد که در آن هر از چند گاهی برای خالی نبودن عریضه، حرکاتی نمایشی، آن هم با بی‌تدبیرگی برای یکی دو بخش از اقتصاد انجام می‌شود. و این نشان از بی‌برنامه بودن در این اوضاع نابسامان اقتصادی به وجود آمده از تدبیر است.

اندر حکایت محرمانه‌ها دولت محرمانه‌ها دولت

ظریف: مذاکرات هسته‌ای محرمانه است!



محرمانه‌ها دولت

بانک مرکزی: نرخ رشد اقتصادی محرمانه است



محرمانه‌ها دولت

وزارت نفت: رقم جریمه گازی به ترکیه
محرمانه است!



دیپلماسی انفعال



/ حسین حقی /



ها به کشور شد.

در حملات پی در پی به شیعیان یمن و کشتار زنان و کودکان دیپلماسی سکوت اختیار کردند.

ولی در اعدام شیخ نمر نکته ی قابل تأمل این است که می خواستند با تدبیر ماجرا را ختم کنند، اما دیگر مردم به تنگ آمده بودند.

اعتراضات مردم در مشهد و تهران مقابل سفارت عربستان نشانه ی غیرت دینی و شعور انقلابی ایشان بود، اما در هر اعتراض خشم آلود اشتباهاتی هم رخ می دهد که سوزاندن سفارت عربستان هم از آن اشتباهات بود که رخ داد.

اما در ریشه یابی این واکنش های مردم چند امر دخیل است:

اول این که اعدام شیخ نمر نتیجه ی دیپلماسی تدبیر دولت بود. آقایان دیپلماسی انفعال را با تدبیر اشتباه گرفته اند.

عده ای می گویند حزب اللهی ها در حادثه ی جده و منا کجا بودند؟

در پاسخشان باید گفت: در آن ایام هم اعتراضات مقابل سفارت عربستان شکل گرفت در حادثه ی منا اگر تهدید رهبری و به دنبال آن عذرخواهی مسئولین سعودی نبود قطعاً اعتراض ها به چیزی شبیه آتش سوزی ختم می شد.

وقتی مردم با عدم واکنش مناسب دولتشان مواجه می گردند، خود وارد عمل می شوند.

حقیقتاً آتش های سفارت عربستان نتیجه ی دیپلماسی تدبیر است. دوم این که حادثه ی جده و منا و بیزاری از آل سعود، مانند بغض در گلوی ملت گیر کرده بود و این بغض در این حادثه ترکید و نتیجه اش شد آتش های سفارت عربستان!

و اما در تحلیل ماجرای ورود تفنگداران آمریکایی به آب های خلیج فارس چند نگاه وجود دارد:

نگاه اول :

در نگاه اول شاید این طور گفته یا وانمود شود که اقدام شناورهای رزمی آمریکا، غیر عمدی و از روی اتفاق بوده است.

در این رابطه باید گفت؛ شناورهای نظامی مجهز به جی پی اس می باشند و علاوه بر اینکه با منطقه ماموریت خود به طور کامل آشنایی داشته اند، از طریق سیستم ناوبری یگان مربوطه نیز

هدایت می گردند.

نگاه دوم :

تجاوز شناورهای رزمی آمریکا به آب های سرزمینی کشور را در یک بسته راهبردی و هدفمند باید بررسی و تحلیل کرد.

در نگاه دوم همزمانی تجاوز نظامی آمریکا با خارج شدن قلب نیروگاه هسته ای اراک که نشانه متوقف و معکوس شدن برنامه هسته ای ایران است، پیام کار آمدی راهبرد آمریکایی «تهدید، تحریم، تحقیر» را به طرف ایرانی و جهان منتقل می کند.

از سوی دیگر این اقدام تجاوزکارانه آمریکا ناظر بر راهبرد «سخت گیری به ایران در پسا برجام» هم می باشد که مجله آمریکایی فارین افرز در ۲۳ آذر ۱۳۹۴ از آن رونمایی کرده است.

در این چارچوب، طرف آمریکایی به دنبال ایجاد این ادراک و انتقال این پیام بود که حتی عمل به همه تکالیف از سوی ایران در برجام، باز هم با «سخت گیری، تجاوز و تحقیر» از سوی ایالات متحده در پسا برجام همراه خواهد شد.

آمریکایی ها از این طریق و به زعم خود، می خواستند پاسخ لازم به آزمایش موشک های ایرانی به ویژه موشک عماد را هم داده باشند.

حالا با دستگیری نظامیان متجاوز آمریکایی و توقیف شناورهای رزمی آمریکا، آن هم در آستانه سخنرانی سالیانه اوباما، این واکنش است که پیام لازم را از تهران دریافت می کند.

۱- آمادگی رزمی نیروهای مسلح ایران به ویژه سپاه

۲- اقتدار ایران در برابر هر گونه اقدام آمریکا و متحدان آن

۳- هوشمندی ایران در جنگ ادراکی و عملیات روانی استراتژیک با این شرایط اکنون آمریکا ضمن تحقیر شدن در برابر ایران، باید برای آزاد سازی نظامیان متجاوز خود، همانند انگلیسی ها مجبور به گدایی از جمهوری اسلامی بشود.

حداقل انتظار این است جناب ظریف رسماً اعلام کند بنده نه وزیر امور خارجه بلکه وزیر امور مذاکرات هسته ای هستم و ماموریت ام نیز نه لغو تحریم ها بلکه گسترش رابطه با آمریکا به بهانه های مختلف است! لذا از من انتظار دیگری درباره پیگیری مسایل منطقه، مشکلات ایرانیان خارج از کشور، مشکلات مسلمانان و دیگر نقاط جهان نداشته باشید!



مرتضی
محمدپور

خاندان گرایی به سبک آیت...!

نوه امام‌راحل و بنیان‌گذار کبیر انقلاب است از همه قوانین و چارچوب‌های قانونی استثنا باشد و درب هیچ‌کجا به رویش بسته نباشد؟

خوب است آقای هاشمی که علاقه‌زیادی به ذکر خاطرات از امام دارد به جای فرافکنی و توهین به شورای نگهبان به جرم استثنا نکردن «اشبه‌الناس به امام» از قانون و چارچوب‌های قانونی؛ تنها یک مورد از سیره امام را نقل کنند که امام استثنا شدن خویشاوندانشان از قانون را تایید کرده باشند. شکی نیست که مردم و نظام به امام بدهکار هستند اما حجت الاسلام هاشمی عاقدانه دوست ندارد به خود بقبولاند که بیش از مردم، این خویشاوندان و منتسبین به امام هستند که مدیون امام هستند، چرا که اگر امام انقلاب نمی‌کرد امروز علاوه بر آنکه نظام و جمهوری اسلامی در کار نبود، «بیت‌امام و یادگار امامی» هم در میان نبود.

در میان سخنان حجت الاسلام هاشمی حمله ایشان به شورای نگهبان پس از رئیس جمهور باعث تعجب بیشتر گردید وی در سخنی عجیب گفت: صلاحیت فقهای شورای نگهبان را چه کسی تایید کرده است؟ اگر منظور ایشان صلاحیت این اعضا برای انتخابات خبرگان است که راهکار قانونی آن مشخص است که اگر اعضای شورای نگهبان عضو خبرگان شوند چگونه و چطور صلاحیتشان تایید می‌گردد و اگر عضوی از یک استان نامزد شود حق اظهار نظر در مورد خودش و سایر نامزدهای آن استان را ندارد.

اما اگر منظور آقای هاشمی این است که صلاحیت این افراد برای عضویت در شورای نگهبان چگونه احراز شده است که نشان از این دارد که مطالبی که در مورد سطح هوشیاری آقای هاشمی گفته می‌شود صحت دارد. اگر این امر را قبول نکنیم باید آنگاه ایشان را جز ضد انقلابیون و اپوزیسیون حساب کنیم که این با ادعای ایشان مبتنی بر حمایت از بیت امام مطابق نیست.

لذا بر مبنای فرض اول و جهت یادآوری ایشان باید گفت همان فرایندی که شما را جانشین فرمانده کل قوا؛ امام جمعه تهران و سالیهاست رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام نموده است همان فرایند که در قانون اساسی هم ذکر شده است در مورد فقهای شورای نگهبان هم اعمال شده است. اگر این فرایند مشکلی دارد جایگاه شما در کرسی ریاست مجمع هم مشکل دار است. اگر خاطرات خود را مرور کنید و یا اگر خودتان توانایی ندارید از فرزندان بخواید تا مناصبی که در نظام داشتید برایتان بگویند.

یقیناً در این فرایند قانونی نظر امثال شما ملاک نیست و قانون این امر را مشخص کرده است. صلاحیت شما و اعضای شورای نگهبان و ... را قانون تایید کرده است. لذا خوب است به قانون اساسی که میراث امام و شهداست حداقل به اندازه بیت امام احترام بگذارید.

خوب است آقای هاشمی بیش از این مسیر خلاف خط خمینی کبیر را ادامه ندهند و منتظری دومی از خود نسازند و در این سال‌های پایانی زندگی خود و زندگی سیاسیشان خود را رسواتر نسازند بگذارید حداقل آبرویی که در نزد مردم بدلیل مبارزات انقلابی داشته اید حفظ شود.

اما آنچه که مایه تعجب همگان را ایجاد کرد سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در آغاز دهه فجر بود روزهایی که باید با وحدت و هم‌دلی همراه باشد متأسفانه توسط استوانه نظام باعث تشویش



خوب است آقای هاشمی که علاقه‌زیادی به ذکر خاطرات از امام دارد به جای فرافکنی و توهین به شورای نگهبان به جرم استثنا نکردن «اشبه‌الناس به امام» از قانون و چارچوب‌های قانونی؛ تنها یک مورد از سیره امام را نقل کنند که امام استثنا شدن خویشاوندانشان از قانون را تایید کرده باشند.

اذهان گردید و بار دیگری ایشان به تبع سایر اصلاح طلبان حملات خود را به شورای نگهبان انجام داد و به دلیل نسبت ایشان با حضرت امام خواستار تایید صلاحیت سیدحسن خمینی شد!

در حالی که تلاش حجت الاسلام هاشمی و جریان تحریف امام طی دو سال گذشته برای تحریف اصول انقلاب و دیدگاه‌های امام آنقدر بالاگرفته بود که رهبرانقلاب هم به آن واکنش نشان دادند؛ این بار هم حضرت مستطاب کوشید با «مساوی‌دانستن امام و بیت امام» عدم احراز صلاحیت حسن خمینی را «توهین به امام و قدرناشناسی از ایشان» معرفی کند! فارغ از اینکه «اشبه‌الناس به امام» بودن را باید با ملاک‌ها و اصول امام سنجید و صرف انتساب فامیلی به یک نفر منجر به اشبه‌الناس بودن به او نخواهد بود؛ باید گفت حتی اگر فرض هاشمی مبنی بر «اشبه‌الناس دانستن سیدحسن خمینی» به «امام» را درست بدانیم، آیا باید صرفاً به خاطر این «انتساب»، قانون و چارچوب‌های قانونی زیرپا گذاشته شود؟ به تعبیر دقیق‌تر قرار است یک فرد چون

پنهان شدن پشت نقاب بیت امام و تلاش برای سوء استفاده سیاسی از انتساب به امام (ره) برای پیشبرد اهداف سیاسی خاص امری است که از روزهای آغازین انقلاب اسلامی در دستور کار فرصت طلبان قرار داشته و به نظر می‌رسد همچنان تاریخ استفاده از این رویکرد منقضی نشده است.

بررسی شیوه رفتار برخی از طیف‌های سیاسی با بیت امام راحل از ابتدا انقلاب تا کنون، حکایت از تلاش آنها برای استفاده حداکثری از جایگاه این خانواده در میان مردم دارد. چرا که این جریان با در نظر گرفتن جایگاه اجتماعی این خانواده در میان جامعه که تنها به موجب انتساب به امام خمینی (ره) ایجاد شده است، در صدد بوده اند تا با داشتن پشتوانه حمایت این خاندان از خود، وسیله ای برای پیشبرد اغراض سیاسی خود بیابند.

از سوی دیگر کارنامه مواضع برخی از افراد و جریان‌هایی که بعضاً ادعا در خط امام و انقلابی بودن داشتند نشان گر هدف دار بودن این حمایت‌ها است. این تلاش‌ها برای سوء استفاده ریاکارانه از منسوبین به امام در مقاطعی از تاریخ انقلاب اسلامی به حدی بوده است که در مواردی واکنش شدید حضرت امام (ره) علیه را بدنبال داشته است.

یکی از این واکنش‌های حضرت امام مربوط می‌شود به نامه بنی صدر مبنی بر نخست وزیر حاج احمدآقا بدلیل شایستگی‌هایی که ایشان داشتند؛ اما حضرت امام در جواب نامه بنی صدر می‌نویسند: «بنا ندارم اشخاص منسوب به من متمددی این امور شوند. احمد، خدمتگزار ملت است و در این مرحله با آزادی بهتر می‌تواند خدمت کند. و السلام علیکم.» مرور سیره‌ی عملی بنیانگذار کبیر انقلاب در برهه‌های حساس تاریخی نیز می‌تواند به عنوان الگویی راهگشا در گره‌های تاریخی عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرد. امام در نامه‌ای به حسین خمینی می‌نویسند: «پسرم، حسین خمینی! جوانی برای همه خطرهایی دارد که پس از گذشت آنها انسان متوجه می‌شود. من میل دارم کسانی که به من مربوط هستند در این کوران‌های سیاسی وارد نشوند، من امید دارم که شما با مجاهدت در تحصیل علوم اسلامی و با تعهد به اخلاق اسلامی و مهار کردن نفس اماره بالسوء، برای آتیه مورد استفاده واقع بشوی.»

و در ادامه نامه نیز با تاکید بر عدم ورود سید حسین به بازی‌های سیاسی به عنوان واجب شرعی تاکید می‌کنند: «من علاوه بر نصیحت پدری پیر، به شما امر شرعی می‌کنم که در این بازی‌های سیاسی وارد نشوی و واجب شرعی است که از این برخورد‌ها احتراز کنی؛ من به شما امر می‌کنم به حوزه علمیه قم برگرد و با کوشش، به تحصیل علوم اسلامی و انسانی پرداز.»

اینکه نام حضرت امام برای مردم ایران نامی مقدس و به تبع آن منسوبین به ایشان به همین واسطه مورد احترام مردم و رهبر انقلاب هستند، امری غیر قابل کتمان است، و اتفاقاً همین جایگاه است که از ابتدای انقلاب تا کنون سیاست‌بازان حرفه‌ای را بر آن داشته تا با استفاده از این نام و جایگاه به مقاصد سیاسی خود نائل شوند.

کسانی قصد دارند حاکمیت «آل امام» را جایگزین حاکمیت «راه امام» نمایند

و ۲۳ درصد آن نیز بر اثر تحریم ها بوده است. دکتر سید یاسر جبرائیلی، دیگر سخنران این میزگرد بود که در تکمیل صحبت های دکتر خرم، با بیان آن که قدرت در خلاء وجود ندارد، گفت: دیپلماسی باید متکی بر قدرت باشد. با این حال، آیا دولت یازدهم که حتی آب خوردن را هم به تحریم گره می زند، همانند چین قصد بیرون راندن آمریکا از منطقه را دارد یا آمریکا را کدخدای جهان می داند و می خواهد زیر بلیط آن برود؟

این فعال رسانه ای افزود: کسانی قصد دارند حاکمیت «آل امام» را جایگزین حاکمیت «راه امام» نمایند و مبنایشان برای تایید صلاحیت، نه صلاحیت علمی و سیاسی بلکه حرمت بیت امام است. این افراد، منافقانه و در پوشش بیت امام، مقاصد خود را پی می گیرند. از برخی نزدیکان هاشمی شنیدم که علت دم زدن آن ها از امام این است که اگر صراحتاً بگویند امام را قبول ندارند، مطرود ملت می شوند. امام (ره) حتی برای خود، اصالت ذاتی قائل نبود تا چه رسد به منسوبین به ایشان. سید حسین خمینی هم یادگار امام بود که امام فرمود اگر در برابر نیروهای امنیتی مقاومت کرد، با تیر او را هدف قرار دهید.

برخی در این دولت درصدد عربستانیزه و قاجاریزه کردن اقتصاد هستند. ما مخالف خرید هواپیما نیستیم بلکه مخالف بدهکار کردن مردم و فداکردن پیشرفت به بهانه ی نوسازی هستیم. ما نیازمند مجلسی هستیم که بر عملکرد اقتصادی دولت نظارت داشته باشد. تورم، رکود و رشد دلالی این ورزهای بازار اقتصاد ایران، ماحصل سیاست های اقتصادی دولت است. دولت میل به واردات دارد و به علت عدم حمایت از تولیدکنندگان داخلی و نرخ بالای سود بانکی، ۷۰ درصد تولید زمین گیر شده است.

جبرائیلی خاطر نشان کرد اگر شورای نگهبان نباشد، امثال مسعود رجوی هم می توانند کاندیدا شوند. وی با یادآوری اهانت های روزنامه های زنجیره ای دوم خردادی به مقدسات، افزود: کسانی که در رسانه هایشان آیات قرآن، ولایت ائمه اطهار، احکام الهی و سایر ضروریات دین را منکر شده اند، چگونه به خود حق کاندیداتوری و راهیابی به مجلس را می دهند؟ افرادی به دنبال خاندان سالاری در کشور هستند که باید جلوشان گرفته شود. معیار قرابت نسبی و ژنتیکی نیست و حتی اگر فرزندان امام خامنه ای هم از مسیر حق خارج شوند با آن ها برخورد می کنیم.

محمدجواد حق شناس به عنوان آخرین سخنران این برنامه در ابتدای سخنان کوتاه خود اظهار داشت: انتخابات هفتم اسفند یکی از مهم ترین انتخابات ها در دو دهه اخیر است؛ چرا که برای اولین بار دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، در یک زمان برگزار می شوند، انتخاباتی که از دو مقوله مختلف هستند. انتخابات خبرگان فعلی در سپهر سیاسی ایران به شدت تاثیرگذار است و اگرچه برای طول عمر رهبر معظم انقلاب دعا می کنیم، اما به عقیده بسیاری از تحلیلگران، مجلس خبرگان آتی باید رهبر آینده را تعیین نماید و از این رو نتیجه ی انتخابات خبرگان دست کم بر روی سرنوشت چند دهه ای آینده کشور تاثیر گذار است. حق شناس در پایان، همگان را به حضور پرشور در پای صندوق های رای، دعوت نمود.

دارد، خاطر نشان کرد: این روند با شدت و ضعف هایی در سایر دولت ها نیز پی گرفته شده و در این مورد خاص، متأسفانه شاهد یک وحدت رویه بوده ایم و تا زمانی که این روند اصلاح نشود، نمیتوان انتظار بهبود اوضاع را داشت. همچون نظام بانکی ما که عامل بسیاری از نابسامانی های اقتصادی است و تا زمانی که این ساختار اصلاح نشود، فساد هم ادامه خواهد داشت؛ اگرچه ریاست جمهوری از احمدی نژاد به روحانی تغییر یابد. تقریباً همه ی دولت ها در اقتصاد، یک جور عمل کرده اند و دو معضل عدم شفافیت اقتصاد و معیوب بودن نظام بانکی از جمله مسائلی



است که با آمدن و رفتن دولت ها حل نشده است. سخنران دوم این مراسم، علی خرم، سفیر اسبق ایران در سازمان ملل بود. خرم، ضمن ابراز خرسندی از حضور در دانشگاه فردوسی درباره ظهور پر قدرت جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه گفت: توافق هسته ای تغییرات شگرفی در ایران و جهان ایجاد کرده است. شصت سال پیش و در زمانی که هنوز اثری از چین در تحولات جهانی نبود، یک متخصص غربی کتابی با عنوان «اژدهای زرد برمی خیزد» نوشت و پیش بینی نمود که این کشور پتانسیل تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ را دارد. ایران نیز این پتانسیل را دارد. هر کشوری بخواهد به یک قدرت بزرگ تبدیل شود، یک سونامی جهانی و منطقه ای ایجاد می شود و در منطقه ی خاورمیانه ظرف ۲ سال اخیر این تلاطم در اثر بروز و ظهور قدرت منطقه ای ایران به واسطه ی مذاکره با ۱+۵، ایجاد شده است.

وی ادامه داد: آمریکا برای جلوگیری از برخاستن اژدهای زرد و ایجاد مانع بر سر راه تبدیل چین به یک قدرت منطقه ای، درصدد انتقال مرکز ثقل خود از خاورمیانه به خاور دور است و در این میانه کشورهای چین و روسیه از یک سو و ترکیه، عربستان، قطر و... از دیگر سوی تلاش دارند تا آمریکا را از این تصمیم منصرف نمایند. چین و روسیه نمی خواهند آمریکا مانع رشد چین شود و کشورهای خاورمیانه نیز می خواهند همچنان سوگلی آمریکا باقی بمانند.

مشاور عالی وزیر امور خارجه پارامتر های پشتیبانی کننده قدرت ایران را اقتصاد و سرمایه گذاری خارجی عنوان کرد و راه علاج اقتصاد را تلاش مضاعف دانست. خرم همچنین به تصویب سند چشم انداز ۲۰ ساله در سال ۸۴ اشاره کرد و بیان کرد: یکی از اهداف این سند بالادستی، تبدیل کردن ایران به قدرت اول منطقه بود ولی از رتبه ی ۴ در سال ۸۴ به رتبه ی ۱۳ در سال ۹۴ رسیده ایم که این سیر قهقراپی عمدتاً ناشی از سوء مدیریت

میزگرد سیاسی دانشجویی با عنوان «انتخاب اصلاح»، ظهر روز شنبه ۲۴ بهمن ماه در محل دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. در این مراسم که به همت بسیج دانشجویی دانشگاه و با هدف بصیرت افزایی و ارتقاء بینش سیاسی دانشجویان در آستانه انتخابات برگزار شده بود، دکتر سید یاسر جبرائیلی و مسعود براتی به عنوان فعالین سیاسی اصولگرا و دکتر جواد حق شناس و علی خرم به عنوان فعالین سیاسی اصلاح طلب حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم، مسعود براتی ضمن تبریک ایام الله دهه فجر و درود بر روان پاک شهدای مدافع حرم، گفت: درود بر شهدا که هیچکدامشان اصولگرایی مطلق و اصلاح طلب مطلق نبودند، بلکه بسیجی بودند؛ یعنی اصولگرایی اصلاح طلب و اصلاح طلب اصولگرا و ما هم به آنان تأسی می کنیم و امیدواریم که توفیق ادامه راهشان را داشته باشیم. براتی اظهار داشت: متأسفانه در سیاست کشور ما، حق محوری جای خود را به قدرت محوری داده است. مشکل بیشتر فعالان سیاسی، عدم شفافیت آن هاست. در ظاهر می توان دسته بندی قدرت ها و مواضع را از هم تفکیک کرد اما هیچ منشور مرجعی برای تمایز جناح های سیاسی وجود ندارد. ما هیچ بررسی کارشناسانه ای در مورد جریانات سیاسی چه در زمان تصدی قدرت و چه پس از آن نداریم. این روند غیرشفاف، فضای مطلوبی را نوید نمی دهد.

وی ادامه داد: سه جریان سیاسی موجود علیرغم اختلافاتی که دارند در سه مولفه خیلی نزدیک اند. در حوزه ی استکبار ستیزی، اصلاح طلبان نه

در نظر و نه در عمل دخالتی ندارند. بزرگان جریان اصولگرایی که در مجلس نهم حضور داشتند در ماجرای برجام نشان دادند که چقدر در عمل استکبار ستیز اند؛ در حوزه نظر باز کمی بهترند و گفتمان دارند. در بحث حمایت از مستضعفین نیز وضعیت جریان اصولگرا بهتر است ولی جریان اصلاح طلبی نه در حوزه نظر و نه در عمل، کاری انجام نمی دهد. هم اصولگرایان و هم اصلاح طلبان در زمینه ی عدالت طلبی که مولفه های آن مبارزه با فقر، فساد و تبعیض است، کارنامه ی غیر موفقی دارند. براتی تصریح کرد: برای انتخاب اصلاح نیاز به تغییر عینک است و نباید در بازی جریانات سیاسی قرار بگیریم و باید به مصالح کشور بیندیشیم. با توجه به پنج سال جنگ عیار اقتصادی علیه کشورمان، ما الان مهمترین مسئله مان اقتصاد است و مجلس بعدی باید اهتمام ویژه ای به این عرصه داشته باشد. دولت یازدهم علی رغم اینکه بیشتر شعار هایش اقتصادی بود، میتوان گفت که بیش از برنامه، برای بهبود وضعیت اقتصاد آرزو دارد. دولت در یک فضای توهمی قرار گرفته و از این رو، مجلس بعدی بسیار موثر است که این توهم را می زداید یا بر این توهم دامن می زند.

این فعال سیاسی دانشگاهی کارکرد اصلی مجلس را واقعی کردن فضای کشور خواند و خاطر نشان کرد: رسالت اصلی مجلس آینده زدودن این تصور از دولت مردان است که چاره مشکلات اقتصادی در بیرون قرار دارد. اساساً ریشه تبدیل ایران به یک قدرت منطقه ای، نیروی قدس و اندیشه قوی انقلابی آن است که امروز در سرتاسر منطقه وجود دارد. با این حال، باز عده ای معتقدند ما با کمک آمریکا می توانیم تبدیل به قدرت منطقه ای شویم. مجلس آینده باید بداند که این قدرت منطقه ای چگونه به وجود آمده است.

وی در ادامه با بیان این نکته که جلب حمایت آمریکا برای توعه قدرت داخلی و بین المللی ریشه در تفکرات دولت سازندگی

روزی می آید که برخی می گویند مگر امام به دنبال اسلام بود؟

که به سراغ این‌ها می‌روند، می‌گویند چرا به سراغ این دسته می‌روید که آنان در جواب می‌گویند، می‌ترسیم آنان به ما لطمه بزنند؛ اما خدا در ادامه می‌گوید این افراد به زودی می‌بینند خدا یک نصرت و فتح می‌رساند و این افراد از پشیمانی نمی‌دانند چه کنند.

وزیر سابق اطلاعات در ادامه به بحث نفوذ اشاره کرد و گفت: نفوذ یک سابقه قابل توجهی دارد. در گذشته تاریخ هم سابقه قابل توجهی داشته و این گونه نیست که امروز رخ داده و تنها یک مرحله داشته باشد.

وی با تاکید بر این که یهود صهیونیست در این امر سابقه وسیع دارد، تصریح کرد: در نفوذ موردی، یک نفر را جاسوس می‌کنند برای این که یک عملیات ترور انجام دهد. یک ترور، ترور شخصیتی است که در این مسیر افرادی را نزد شخصیت‌های شناخته شده می‌فرستند و آنان را مورد هدف قرار می‌دهند و مورد دیگر این است که القاط فکری ایجاد می‌کنند به طوری که بر روی شخصیت فرد کار می‌کنند تا دچار التقاط فکری شوند. نمونه‌های این امر سر و سرش و کدیور هستند.

حجت الاسلام مصلحی ضمن اشاره به این که مبارزه با التقاط فکری بسیار سخت است، ادامه داد: ام آی سیکس انگلیس در مقوله ایجاد التقاط فکری بسیار قوی است و برای همه مذاهب یک گروه ایجاد کرد و مشاهده می‌کنید که امروز انجمن حجتیه در کشور ما به شدت فعال است.

وزیر سابق اطلاعات افزود: یکی از برنامه‌هایی که نفوذ دارد این است که بر روی شخصیت‌های برجسته نفوذ می‌کند تا به قدرت برسد. به طور مثال معاویه با نفوذ یهود صهیونیست روی کار آمد و ۲۰ سال حاکم شامات و ۲۱ سال حاکم جهان اسلام بود.

وی با تاکید بر این نکته که در این ۲۱ سال کار معاویه جنگ نرم علیه اسلام بود، گفت: وقتی شمشیر بر فرق سر امام علی (ع) خورد تازه مسلمانان گفتند مگر علی (ع) نماز می‌خواند! روزی می‌آید که برخی می‌گویند مگر امام به دنبال اسلام بود؟

حجت الاسلام مصلحی با بیان این که جنگ نرم سه کار تغییر افکار، تغییر رفتار و تغییر ساختار را دنبال می‌کند، گفت: امام می‌گفتند استکبار، امروز یک عده در کشور کلمه استکبار را چند بار و ایالات متحده را چند بار به کار می‌برند؛ این یعنی تغییر افکار. در تغییر افکار نمی‌آیند جملات امام را از صحیفه نور بگویند بلکه مدام خاطره می‌گویند و این گونه می‌خواهند نسل جوان را از سخنان واقعی امام دور کنند در حالی که امام تاکید می‌کردند هر مطلبی که از من عنوان می‌شود باید با سند باشد.

وزیر سابق اطلاعات با طرح این پرسش که آیا کشوری که در تحریم است اولویتش خرید هواپیما بود که آقایان هواپیما خریداری کردند؟! گفت: رهبری گفتند چنانچه راه امام را گم کنیم، از راه امام غفلت کنیم و یا عمداً آن راه را کنار بگذاریم، سیلی خواهیم خورد. وی در خصوص نفوذ جریانی ادامه داد: در این نفوذ کاری که می‌شود این است که در داخل نظام شبکه سازی می‌شود. یکی از برنامه‌های استکبار که از اردیبهشت سال آینده می‌خواهند دنبال کنند این است که گروه‌های علمی از اروپا و آمریکا به ایران بیایند و از ایران به آمریکا بروند.

حجت الاسلام مصلحی افزود: اوباما گفت «ما باید بفهمیم در طول این ۳۷ سال که با انقلاب ایران در جنگ بودیم چرا انقلاب ایران زمین نخورد»، با نفوذ در دانشگاه‌ها می‌خواهند به این برسند. وزیر سابق اطلاعات استکبار به دنبال ایجاد تغییر در باورها، آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها و سبک زندگی است، تصریح کرد: استکبار برای نفوذ جریانی از پول و جاذبه‌های جنسی استفاده می‌کند.

وی در پایان یادآور شد: در بودجه سال جاری آمریکا دو میلیارد و سیصد و هشت میلیون دلار برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

حجت الاسلام مصلحی با تاکید بر این که دشمن از هر فرصتی برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند، تصریح کرد: پنج سال پیش وقتی که قضیه سوریه پیش آمد، بسیاری از آقایان می‌گفتند با عربستان وارد مذاکره شویم و در مذاکره قضایای سوریه را حل کنیم. هر چه به آنان می‌گفتیم عربستان دشمن جمهوری اسلامی است و نه دوست؛ اما آنان گوش نمی‌دادند و بنابراین شد که در شورای عالی امنیت ملی بحث شود که چه کنیم و در نهایت بنا شد من به عربستان بروم و با ولی عهد عربستان صحبت کنم، من به آنان گفتم مذاکراتی که در این سال‌ها با این فرد با مقامات ایرانی داشته است را بدهید من بخوانم. در این دست نوشته‌ها متوجه شدم این فرد سیاستی دارد که ابتدا سنگین انتقاد می‌کند و در این حین حرف اصلی فرد مقابل فراموش می‌شود. وی ادامه داد: پس از خواندن این نوشته‌ها به ملاقات رفتیم و دیدیم دقیقاً همین گونه شد. وسط صحبت او پردیم و گفتم من برای این سخنان نیامده‌ام کلاس این سخنانی که تو می‌زنی کلاس معاون من



است و نه من. با این جمله ولی عهد شکسته شد و گفت ما در دوران جنگ شما با صدام، با تمام هستی خود از صدام حمایت کردیم و بیش از ۴۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردیم.

وزیر سابق اطلاعات در ادامه با بیان این مطلب که مشاهده می‌کنید مسیر خروج از ظلمت به نور به آسانی صورت نمی‌گیرد، بلکه با سختی همراه است، بیان کرد: در قرآن آمده است که برای این خروج یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، تکرار ایام الله است.

حجت الاسلام مصلحی ضمن یادآوری این مطلب که بعد از ظهر ۲۱ بهمن حکومت طاغوت اعلام حکومت نظامی می‌کند، گفت: در این حین امام اعلامیه می‌دهند و می‌گویند، کسی حق ندارد در خانه باشد، بسیاری از بزرگان به نزد امام می‌روند و می‌گویند حکومت سفاک است جوی خون راه می‌اندازد؛ اما امام قبول نمی‌کند. آقای طالقانی به نزد امام می‌رود و به ایشان می‌گوید بگذارید شما این حکومت را نمی‌شناسید، بگذارید مردم به خانه‌هایشان بروند این حکومت جوی خون راه می‌اندازد و بعد امام خطاب به طالقانی می‌گوید چنانچه این دستور، دستور امام زمان (عج) باشد چه می‌گوی؟ طالقانی عقب عقب بیرون می‌آید.

وی ادامه داد: جمع بندی آمریکا این بود که همان موقع امام و جمعی از بزرگان را ربایش کند و فردا صبح که مردم بیرون آمدند ببینند امامی وجود ندارد.

وزیر سابق اطلاعات ادامه داد: مردم با این که می‌دانستند رژیم سفاک است؛ اما از امام تبعیت کردند به همین دلیل ۲۲ بهمن ماه شد ایام ... حجت الاسلام مصلحی خاطر نشان کرد: در قرآن آمده است در مسیر خروج ظلمت به سمت نور باید صبری وسیع داشته باشید و در این جا است که برخی تحمل نمی‌کنند و ریزش می‌کنند.

وی با بیان این که یک سوم قرآن وضعیت یهود را تشریح می‌کند و می‌گوید از آنان بهر اسید، آنان برای شما برنامه دارند، بیان داشت: آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مائده در خصوص ولایت‌مداری سخن می‌گوید و عنوان می‌کند ولایت‌مدار یهود و نصارا نباشید و در ادامه به کسانی

در شب یوم ... ۲۲ بهمن، به همت بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، بزرگداشتی به مناسبت سی و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، در مکان مسجد امام رضاع (این دانشگاه برگزار شد که در آن میهمانان داخلی و خارجی نیز حضور داشتند. در این مراسم، پس از سخنرانی ناصر ابوشریف، مسئول جهاد اسلامی فلسطین در ایران، حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی وزیر سابق اطلاعات نیز به سخنرانی پرداخت. مشروح سخنان ایشان در ادامه می‌آید:

حجت الاسلام مصلحی در این برنامه بیان فرمودند: یکی از کارهایی که انبیاء انجام می‌دادند این بود که مردم را از ظلمت به سمت نور ببرند، امام نیز درصدد بودند با انجام انقلاب مردم را از ظلمت به سمت نور هدایت کنند. ایشان در سال ۴۲ که نهضت را آغاز کردند مذاکره‌ای با شهید عراقی و عسگر اولادی داشتند و به آنان می‌گویند من از قیامی که آغاز کردم سه هدف ایجاد حکومت اسلامی در ایران، بیداری اسلامی در دنیای اسلامی و زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) است.

وی ادامه داد: تمامی این مسائل نشان از این دارد که امام (ره) می‌خواستند مردم را از ظلمت به سمت نور ببرند و امروز مشاهده می‌کنید که هر سه این امور در دنیا در حال رخ دادن است.

وزیر سابق اطلاعات با طرح این پرسش که آیا این خروج از ظلمت به سمت نور بدون هزینه و چالش است؟ خاطر نشان کرد: در مسیر خروج از ظلمت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و نظامی ما با چالش مواجه خواهیم شد و دشمن اجازه نخواهد داد به راحتی از ظلمت خارج شویم و به سمت نور حرکت کنیم.

حجت الاسلام مصلحی با تاکید بر این که دشمن در تمامی این عرصه‌ها طرح و برنامه دارد، گفت: ملت ایران در مسیر انقلاب و در هر هشت سال جنگ با همه دنیا می‌جنگید و در راس آن آمریکا بود و هر جا که این کشورها کم می‌آوردند آمریکا به داد آنان می‌رسید.

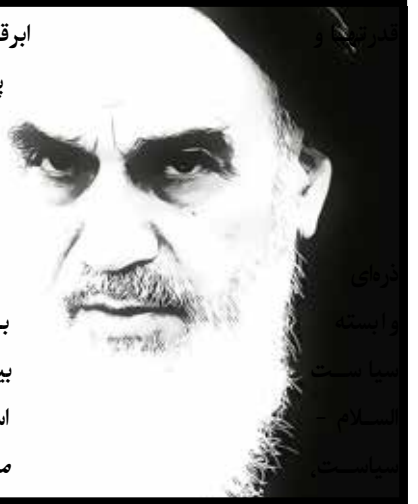
وی با اشاره به این مطلب که ۳۷ سال است که دنیای کفر در مقابل دنیای اسلام ایستاده و کنار نخواهد رفت، افزود: پنج سال پیش که بیداری اسلامی بوجود آمد در همان مقطع عده‌ای در داخل و در جلسات مطرح می‌کردند این اتفاقاتی که در منطقه رخ می‌دهد بیداری اسلامی نیست، بلکه آمریکا تصمیم گرفته که این اتفاقات رخ دهد! وزیر سابق اطلاعات ضمن بیان این که این افراد بر اراده مردم اعتقاد نداشتند و معتقد بودند که کدخدا تصمیم گرفته است، بیان کرد: من آن زمان مسئول اطلاعات کشور بودم و اسناد سنگینی داشتیم که آمریکا در خودشان جنگ و دعوا داشتند که چرا نتوانستیم پیش بینی کنیم که ممکن است چنین اتفاقی در دنیای رخ دهد، اما جوابی برای گفتن نداشتند.

حجت الاسلام مصلحی تصریح کرد: استکبار وقتی قضیه بیداری اسلامی در دنیا رخ داد نتوانست مقابله کند، اما آیا آن را رها کرد؟ خیر. گفت باید از همین فرصت در راستای اهدافمان استفاده کنیم و برنامه ریزی داشته باشیم.

وی بیان داشت: جمع بندی که کردند و بر اساس این برنامه ریزی گفتند باید از فرصت استفاده کنیم و با شعار بیداری اسلامی مقاومت را در منطقه هدف قرار دهیم و برای این برنامه باید برویم سراغ ضعیف‌ترین عنصر مقاوت در منطقه و آن را بزنییم بعد به سراغ عنصر قوی‌تر و در نهایت به سراغ ایران را برویم.

حجت الاسلام مصلحی ادامه داد: جمع بندی آنان این بود که ضعیف‌ترین عنصر در منطقه بشار اسد است، بنابراین ابتدا باید به سراغ او رفت بعد از آن به سراغ حزب الله و بعد ایران هدف قرار داد. وزیر سابق اطلاعات تاکید کرد: امروز پنج سال است که استکبار در منطقه هزینه می‌کند و نشست‌های سیاسی می‌گذارد که بشار اسد باید برود، اما مقام معظم رهبری ایستاده و می‌گویند بشار باید بماند.

ابردر آنها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی بیکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و شورایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه به شرق، شوروی، که ان شاء الله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به‌طور قطع و یقین، پشت کردن به این بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - و ائمه هدی - علیهم است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. (صحیفه امام خمینی - جلد ۲۰ - صفحه ۳۱۹)



انقلاب به روایت شعر



استاد حمید سبزواری

خوش نشینان ساحل بدانند
موج این بحر را رامشی نیست
دل به امید رامش نبندند
بحر را ذوق آسایشی نیست
تا که دریاست دریا به جوش است
شورش و موج و گرداب دارد
هرگز از محر جوشان مجوید
آن زبونی که مرداب دارد
ما نهنگیم و خیل نهنگان
بستر از موج توفنده دارند
این سرود نهنگان دریاست
بحر را موج زنده دارند
ما نهنگیم و هرجا نهنگ است
طعم از کام غرقاب جوید
نزد دریادلان مرده بهتر
زان که آرامش و خواب جوید
خوش نشینان ساحل بدانند
تا که دریاست این شور و حال است
چشم سازش ز دریا ندارند
سازش موج و ساحل محال است

سند زنده بودن انقلاب

هر قدم که می رفت... می ایستاد...
کمی که می ایستاد... می نشست...
کمی که می نشست... تلاش می کرد دوباره
بایستد و به راه بیفتد، ولی دیگر نفسی نمانده
بود. مخصوصاً وقتی که باید علاوه بر کپسول
همراهش، پلاکارد هم در دست می گرفت.
پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود: «انگیزه ی
انقلابی باید روز به روز در دل ها افزایش یابد.» و
یک پلاکارد و یک پرچم ایران در کنار آن کپسول
سنگین، سند ماندگاری انقلاب بود. سند زنده ی
زنده بودن انقلاب خمینی(ره). سندی برای اثبات
همان جمله ی نوشته شده روی پلاکارد...
با همان نفس های عمیق و گرفته اش، نفس ها
را در دل ها حبس می کرد و قلب ها را از جا
می کند. با همان نفس ها سی و هفت سال
توطئه را به سخره گرفته بود و میلیاردها دلار پول
براندازی را به آتش می کشید. با همان نفس ها
به تمام آزادگان جهان درس ایستادگی و مقاومت
می داد و پیام پیروزی و عزت را به جهان مخابره
می کرد.
راهپیمایی ۲۲ بهمن از این حماسه ها کم نداشت،
اما قسمت قاب دوربین پیرمردی بود که مقاومت
را برای همگان معنا کرد. این تصویر سند ماندگاری
انقلاب اسلامی، پس از سی و هفت سال تلاش
برای براندازی است.

ابوالفضل عباسی/



ما نخواهیم گذاشت...

دوست و دشمن بدانند اگر از سرهایمان
کوه بسازند، نخواهیم گذاشت فرزندانمان
در تاریخ بخوانند «امام خامنه ای(حفظه ...)
جام زهر نوشید».

روزگاری، جریان تحمیل گری و اضلاع
مثلت «ما نمی توانیم»، امام امت را ناگزیر
به نوشیدن جام زهر نمودند و اکنون نیز از
هر سوی زمزمه هایی به گوش می رسد
که جریان مزبور، در تدارک جام زهری
دیگر است. گویی تجربه ی موفقیت آمیز
این جریان، در نوشاندن جام زهر به امام
روح... (ره) این خیال خام را در اذهان آنان
پرورانده است که می توانند جام زهر
دیگری را به امام مسلمین بنوشانند. زهی
خیال باطل!

مگر نسل جوان مرده باشد که احدی بتواند
جام زهر دیگری به امام امت، بنوشاند.
آنان که در تدارک جام زهرند بدانند این
خواب، تعبیر ناشدنی است و عمار ها ی
انقلاب و جوانان غیور و ولایتمدار این مرز
و بوم به حول و قوه ی الهی مانع از تحقق
این امر خواهند گشت.

پیام من به جریان مزبور این است: آن
روز که شما توانستید جام زهر را بر امام
راحل عظیم الشان تحمیل کنید، ما پای در
عرصه ی وجود نهاده بودیم و گرنه به مانند
آن سیلی که در ۹ دی بر دهانتان کوفتیم و
آنگونه داغ سرنگونی این نظام مقدس را بر
دلہاتان گذاردیم، مانع از این می شدیم که
بتوانید جام زهری بر امام(ره) تحمیل کنید.
این بود از پیام من به جریان تحمیل گری
بر ولایت... اما خطابی نیز به محضر مراد و
مقتدای خویش، امام خامنه ای(حفظه ...)
دارم:

آقا جان! جوانان غیور این مرز و بوم، مقدار
وار، دست بر قبضه ی شمشیر دارند و منتظر
یک اشارت شما نیستند تا هر زمان که مقتضی
بدانید، علیه قاسطین و ناکثین و مارقین
زمان، به مقابله برخاسته، طومارشان را به
حول و قوه ی الهی، در هم بیچند.

این گردبادهای به غیرت در آمده /
تسلیم رهبرند که طوفان نمی کنند...

محمدسعید ابراهیمی/